

الگوی روابط اجتماعی بر مبنای قرآن^۱

نرگس موحدی^۲

چکیده

یکی از زمینه‌های ضروری ارایه الگو اسلامی ایرانی پیشرفت، در حیطه روابط اجتماعی قرار دارد؛ زیرا پیشرفت در جامعه دارای چندین بعد مهم و اساسی است و روابط اجتماعی انسانی بر گرفته از قرآن و روایات، یکی از شاخصه‌های پیشرفت در جامعه اسلامی به شمار می‌رود. برای دستیابی به الگوی روابط اجتماعی بر مبنای قرآن، ضرورت دارد تا با بهره‌گیری از آیات و روایات مربوطه، الگوهای رفتاری قابل ارایه به جامعه تدوین شود. بنابراین با روش تحلیل و بررسی تفسیری آیات قرآن کریم می‌توان الگوهای کاربردی را در حیطه روابط اجتماعی به اجتماع عرضه نمود. به این منظور پنج الگوی رفتاری از آیات قرآن کریم به دست آمد که البته امکان گسترش آن به میزان بیشتری از آیات نیز وجود دارد. در این میان برتری الگوهای قرآنی که مطابق سرشت انسانی افراد اجتماع می‌باشد به روشنی قابل اثبات است؛ تا با تبلور فرهنگ قرآنی در جامعه، پیشرفت حقیقی حاصل شود.

واژگان کلیدی: روابط اجتماعی، پیشرفت، قرآن، جامعه.

مقدمه

اجتماعی بودن نوع انسان از ضرورت‌های فطری و سبب شکوفا شدن استعداد های انسانی می‌باشد. بالطبع لازمه زندگی اجتماعی وجود قوانین و قراردادهای اجتماعی است که علاوه بر حفظ جامعه از هرج و مرج، موجب تعالی و رشد اجتماع شود؛ زیرا پیشرفت و تعالی جوامع تنها در بعد اقتصادی و رفاه عمومی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه جامعه‌ای پیشرفته است که فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر روابط اجتماعی مردمان آن، در سطح بالایی از اصول و مبانی اخلاقی و انسانی قرار گرفته باشد. فرهنگ محصول چگونگی روابط اجتماعی و روابط اجتماعی سبب تقویت و حفظ ارزش‌ها و فرهنگ است. از طرف دیگر فرهنگ و ارزش‌ها نحوه و شرایط شکل‌گیری روابط اجتماعی را تعیین می‌نماید. به عبارتی فرهنگ و روابط اجتماعی رابطه متقابل با یکدیگر دارند. با این نگاه اصلاح و رشد روابط بین فردی در اجتماع، اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد.

از سویی اجتماع متشکل از افراد است و مجموع فردها، جوامع را شکل می‌دهند. به همین دلیل اگر بخواهیم امری را در جامعه نهادینه کنیم ضرورت دارد تا تک تک افراد جامعه و روابط بین فردی آنان را سامان‌دهی نماییم. به نظر می‌رسد تا کنون مباحث کلان و نظری در زمینه اقتصاد و فرهنگ و اجتماع و سیاست بحث و بررسی شده تا

^۱. تاریخ دریافت: 93/12/18

تاریخ پذیرش: 94/03/12

^۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور تهران جنوب و پژوهشگر جامعه الزهراء. n.movahed92@yahoo.com

شاکله اصلی نظام اسلامی شکل بگیرد. اما اکنون با توجه به انسان امروزی که نیازمند برنامه و روشی است تا آن را در ریز موضوعات زندگی خویش به کار گرفته و زیست اجتماعی خویش را به سوی هدف مشخصی ادامه دهد؛ وقت آن رسیده است تا الگوهای قرآنی را به عنوان فرمول‌هایی که بر هر معادله‌ای صادق‌اند، برای روابط اجتماعی بشر ارایه نماییم. همچنین در هر عصری کتب اخلاقی و رفتاری بر اساس قرآن و روایات، مطابق نیاز همان عصر بازنویسی و بازآرایی می‌شده است. اکنون نیز باید با ارایه پرسش‌های جدید، پاسخ‌های جدیدی از قرآن کریم مطالبه نماییم. به همین دلیل ارایه الگویی قرآنی و نهادینه کردن آن بسیار ضروری می‌نماید.

در این زمینه کتب و مقالات بی شماری نوشته شده است. اما آن چه ادامه پژوهش را ضروری می‌نماید؛ ارایه الگویی بر گرفته از آیات است که روابط بین فردی و ریز رفتارهای اجتماعی را به شکل کارآمد و کاربردی و به روز تبیین می‌نماید. برای انجام این پروسه، با این رویکرد خاص، نیاز است با بررسی دقیق آیات قرآن کریم، الگویی جامع و همه جانبه در زمینه روابط اجتماعی تدوین گردد. اما در این نوشتار به دلیل اختصار تنها به الگو دهی تعدادی از آیات مبارکه اکتفا می‌شود.

در این جا پنج الگو ارایه شده که هر یک با عنوانی بر گرفته از خود آیات نام گذاری شد؛ تا رواج آن در جامعه سریع‌تر و سهل‌تر باشد. «الگوی تفسیح» یا همان الگوی الگوی گشایش؛ «الگوی استیناس»؛ «الگوی ارجاع»؛ «الگوی هماهنگی قول و فعل» و «الگوی انتشار» پنج موردی است که به عنوان نمونه آمده‌اند.

امید است با روشن شدن برتری‌ها و ظرافت‌های دین مبین اسلام در تمامی زمینه‌ها و به خصوص در زمینه روابط اجتماعی و همچنین با به کارگیری الگوهای ارایه شده، در متن جامعه اسلامی، زمینه رشد معنوی و فرهنگی فرد جامعه فراهم شده و در نهایت جامعه ایده‌ال و پیشرفته اسلامی پدید آید. همچنین در ادامه لازم است تا برخی مفاهیم مورد نظر در این پژوهش تبیین شود.

1. مفهوم شناسی

الگوی رفتار

نظام اجتماعی مجموعه‌ای از پدیده‌هایی است که حول محور زیست اجتماعی انسان‌ها و تحقق اهداف زندگی اجتماعی آنان گرده آمده‌اند و بر این اساس فرهنگ و عناصر ذیل آن، یعنی باورها و ارزش‌ها و هنجارها و نمادهای اجتماعی و روابط و مناسبات اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرند (خیری، 1389، 39). در هر جامعه‌ای الگوی رفتاری، قاعده رفتار، مقررات رفتار و شیوه عمل مشخصی حاکم است و رفتارهای افراد در اجتماع بر اساس «الگوی رفتار یا هنجار» انجام می‌شود (همان، 44). بنابراین الگوی رفتاری امری است که تحقق بخش بایدها و نبایدهای جامعه و تجلی بخش ارزش‌های اجتماعی است.

الگوهای مورد قبول جوامع بر اساس مبانی فلسفی و اعتقادی شکل می‌گیرد و در اکثر جوامع این الگوها به شدت ساختارمند و سازمان یافته است. در جامعه اسلامی نیز این ظرفیت وجود دارد تا الگویی منجمد از روابط اجتماعی بر اساس آیات قرآن کریم و با بهره‌گیری از روایات ارایه شود؛ تا جامعه در سطح بالایی از روابط انسانی قرار گیرد.

یکی از اساسی‌ترین مسائلی که نظریه پردازان اجتماعی به آن پرداخته‌اند، بحث از چیستی و ماهیت فرد و اجتماع است و این که آیا انسان بالطبع موجودی اجتماعی است؟ آیا فرد اصیل است و جامعه امری انتزاعی و یا اصالت با جامعه بوده و فرد امری انتزاعی است؟ این بحث از این جهت در این جا حائز اهمیت می‌باشد که نوع پاسخ به این سوالات در شیوه الگودهی موثر خواهد بود. اگر اصالت را با اجتماع بدانیم باید روند الگوی ما به گونه‌ای باشد که با تکیه بر برنامه‌های اجتماع در پی اصلاح افراد باشیم و در صورتی که افراد دارای هویت مستقل از اجتماع باشند، ارایه الگو متکی به تربیت اشخاص ضرورت می‌یابد.

طبق دیدگاه اصالت جامعه، فرد مقهور جامعه بوده و ارزش‌ها و فرهنگ غالب بر جامعه، فرد را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این جهت لازم است تا الگودهی برای رفتارهای اجتماعی، جامعه محور باشد نه فرد محور؛ اما بنابر اصالت فرد، باید تربیت تک تک افراد اجتماع را در نظر گرفت و اصلاح واقعی اجتماع با اصلاح افراد جامعه امکان‌پذیرتر و منطقی‌تر خواهد بود. زیرا با اصلاح افراد به وسیله اجتماع، بُعد اجتماعی افراد رشد یافته و جنبه تربیتی فردی اشخاص و نهاده می‌شود. اما با اصلاح بعد فردی نه تنها بعد فردی او بارور شده بلکه بعد اجتماعی او هم از پلیدی‌ها پاک می‌شود (همان، ص 89 و 90).

آن چه مسلم است نظریه اصالت فرد یا جامعه هر کدام کاستی‌هایی دارد. اما این نوشتار در پی طرح یا نقد و بررسی دیدگاه‌ها نبوده بلکه به دنبال تبیین جایگاه اجتماع و روابط اجتماعی در اسلام است و به نظر می‌رسد اگر چه در قرآن کریم، جامعه و کلمه «امت» مورد خطاب قرار گرفته است، اما «امت» یک موجود حقیقی و تکوینی که دارای وحدت عینی و حقیقی باشد نیست؛ بلکه امت مجموعه‌ای از انسان‌ها است که در یک جهت وحدت و اشتراک داشته باشند (مصباح یزدی، 1368، ص 79). بنابراین جامعه وجودی حقیقی نداشته و مفهوم جامعه یک امر انتزاعی و اعتباری است و همچنین تأثیر اجتماع بر فرد، به معنای تأثیر اکثریت افراد جامعه بر فرد است (همان، ص 127).

روابط اجتماعی در اسلام بر اساس چیدمان اخلاقی - انسانی طرح‌ریزی شده و اهمیت آن زمانی دو چندان می‌شود که فلسفه رسالت آخرین فرستاده خداوند نیز اتمام و اکمال مکارم اخلاقی بیان شود و مهم‌تر این که قرآن کریم در ترسیم روابط اجتماعی در جامعه دین‌مدار به بیان مسایل کلی بسنده نکرده و به نوعی اصالت فرد را مد نظر قرار داده و در مورد ریز رفتارها و روحیات زیست مومنانه حتی در مهمانی‌ها، مجالس و رفت و آمدهای اجتماعی، نکات ظریفی را بیان فرموده و برای سالم‌سازی ارتباطات افراد، اصول و شاخصه‌های انسانی را به طور کامل عرضه نموده که الگودهی و تبیین و فرهنگ سازی آن در اجتماع، به طور حتم نه تنها گامی مهم در تعالی و رشد جوامع اسلامی که موجب توسعه اجتماعات بشری خواهد بود.

پیش از بیان مدل‌های قرآنی در حیطه روابط اجتماعی، بیان چند نکته ضرورت دارد:

1. در روند تبیین الگوهای اسلامی، هر چند مراد الگویی جامع است که تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی را در بر بگیرد، اما گاهی آن قدر به بیان کلیات و مبانی و زیر ساخت‌ها، پرداخته می‌شود که از ارایه الگویی عملی که قابل عرضه به متن زندگی مردم باشد، غفلت می‌شود و برخی از الگوهای عملی که در متن آیات و روایات آمده

است، به صورت دست نخورده باقی می ماند؛ از این رو ارایه الگوهای کاربردی، که قابل اجرا در متن جامعه اسلامی هستند، ضرورت می یابد.

2. برای ارایه الگویی جامع لازم است تا هر یک از آیات اجتماعی به صورت الگویی کامل تدوین شود و با

کنار هم قرار گرفتن الگوها، الگویی همه جانبه شکل گیرد و این مهم نیاز به مجال و جایگاه گسترده تری دارد.

3. جامعه اسلامی ایرانی که خواهان پیشرفت در روابط اجتماعی است، هرگز به دنبال تقلید از جوامع غربی

نخواهد بود، اما آن چه در آیات قرآن کریم به آن تصریح و توصیه شده است و همواره مسلمین از آن ها غفلت

ورزیده اند؛ هر چند ظاهراً مشابه با برخی از رفتارهای سایر جوامع باشد، مجاز به کنار گذاشتن آن نخواهیم بود.

4. نکته آخر و شاید مهم ترین نکته در قابلیت آیات قرآن برای الگودهی به تمام انسان ها است. زیرا دین اسلام

در شبه جزیره عربستان، به عنوان یک جامعه آماری کوچک عرضه شد. در این نمونه آماری هر آن چه از رسوم و

آداب که مطابق اصول بنیادین آموزه های اسلامی - انسانی بود؛ مانند اکرام مهمان، شجاعت، سخاوت و... (علی،

1993، ج 4) مژهر تایید خورد. اما برخی دیگر از رفتارهای اجتماعی که از طبیعت و سرشت انسانی فاصله داشت؛

مانند قساوت در انتقام، شرب خمر، زنده به گور کردن دختران، (همان) حذف و یا اصلاح شد؛ تا تعالیم عرضه شده

به جامعه عرب آن روز، قابل ارایه و تعمیم برای سایر انسان ها نیز باشد.

به همین جهت اصول و قوانین جامعه انسانی دین مدار که چگونگی رفتار و تعیین حدود ارتباطات را بیان

می کند، بخشی از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده است. در این جامعه آماری طرح الگویی که مطابق

زیست مومنانه باشد؛ تاکید شده و هر آن چه با این مهم فاصله داشته؛ اصلاح شده است.

بنابراین بسیاری از رفتارهای جامعه آن روز، بر اساس سرشت انسانی و حقیقت کمال، پایه ریزی شده تا تمامی

انسان ها در تمامی اعصار با عمل به آن ها به اوج رشد در روابط انسانی برسند. قرآن کریم هنگامی که الگوهای

رفتاری خویش را عرضه می نماید، خطاب آن به مؤمنان است؛ اما در موارد متعددی از آیات متذکر می شود که

تمامی آیات و احکام و قوانین آن قابلیت تعمیم به تمام عالمیان و جوامع انسانی (الناس) را دارد و به حتم دین

اسلام برای تمامی ابنای بشر به عنوان کامل ترین و آخرین دین آمده است.

در این بخش ما در پی بیان مسایلی هستیم که قرآن کریم و در ذیل آن روایات صحیحه صراحتاً بحث روابط

بین فردی، را متذکر شده اند. تأکید خداوند به برخی مسائل در روابط اجتماعی گویای این مطلب است که این

اصول و قوانین آن قدر مهم و اساسی اند که از میان سایر موارد، جزء آیات شریفه قرار گرفته و توسط فرشته وحی

به انسان ها تذکر داده شده است. بنابراین می توان ادعا نمود که هر یک از این آیات قابلیت این را دارند که به عنوان

یک الگوی کلی و در عین حال کاربردی مورد استفاده قرار گیرند.

مدل های قرآنی در روابط اجتماعی

در این نوشتار پنج الگو ارایه شده است. 1. الگوی تفسیح یا گشایش؛ 2. الگوی استیناس؛ 3. الگوی حفظ حریم

خصوصی دیگری؛ 4. الگوی انتشار؛ 5. الگوی هماهنگی قول و فعل. نام گذاری هر یک از الگوها کاملاً بدیع بوده

و قابلیت ارتقا را نیز دارد.

این پنج الگو تنها از باب نمونه در حد نوشتار این مقاله ارایه می شود؛ البته تلاش بر این است که به نمونه‌هایی اشاره شود که در آیات قرآن به صراحت به آن تاکید شده است.

الف) الگوی تفسیح یا گشایش «فرهنگ جا دادن به دیگران در مجالس عمومی

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ...) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به شما

گفته شود: «در مجالس جای باز کنید»، پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند...» (مجادله: 11).

«تَفَسَّحُوا» از ماده (فسح) به معنی مکان واسع است، و «تَفَسَّحَ» به معنای جا باز کردن در محلی است که جا تنگ و ضیق می‌باشد (مصطفوی، 1360، 83/9). به طور کل «تَفَسَّحَ» به معنی «توسَّع» است. خداوند متعال در این آیه مبارکه خطاب به مومنان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید و در شمار مومنان قرار گرفته‌اید، هنگامی که در مجالس از شما خواسته می‌شود تا برای تازه واردها جا باز کنید، پس به آن‌ها جا داده؛ تا خداوند نیز برای شما گشایش در تمامی امور از اعمال و ارزاق ایجاد نماید» (حسینی شیرازی، 1342، 557). تَفَسَّحَ یکی از رفتارهای اجتماعی است که سبب تقویت محبت و مودت و همکاری در جامعه می‌شود (مکارم شیرازی، 1374، 126/18؛ فخر الدین رازی، 1420، 493/29). این امر یکی از سنن اجتماعی است که خداوند از مسلمانان می‌خواهد در روابط اجتماعی خود به کار گیرند (فضل الله، 1419، 72/22).

در مورد شأن نزول آیه مبارکه چندین قول ذکر شده، اما به طور کل از سیاق آیه برمی‌آید که قبل از نزول این آیه، وقتی اصحاب در مجلس رسول خدا⁹ حاضر می‌شدند به دلیل محبتی که به حضرت داشتند، به صورتی می‌نشستند که جایی برای دیگران نمی‌گذاشتند و تازه واردان جایی برای نشستن نمی‌یافتند. در این شرایط آیه شریفه نازل شده تا با بیان آداب چگونه نشستن در مجالس عمومی، روابط اجتماعی را ارتقا بخشد (طباطبایی، 1417، 327/19؛ سید بن قطب، 1342، 3512/6).

هر چند نزول اولیه آیه مبارکه در مورد آداب مجلس پیامبر اکرم⁹ بوده است اما با توجه به این که تعالیم قرآن همه زمانی و همه مکانی می‌باشند و همچنین این که کلمه «مجلس» در آیه، همراه با «ال» جنس آمده است، حاکی از این است که حکم مطرح در آیه، هر مجلسی را در هر زمانی می‌تواند در بر بگیرد و این دستور اختصاص به مجلس رسول خدا⁹ ندارد (بیضاوی، 1418، 194/5).

نکته دیگر این که همان‌گونه که ذکر آن گذشت، جامعه زمان پیامبر به عنوان یک جامعه آماری، نمونه کوچکی از جامعه انسانی را اصلاح و ارتقا داده تا این جامعه متعادل و متكامل الگوی رفتاری تمامی جوامع با شد. بنابراین این آیه مبارکه و سایر آیات اجتماعی، به عنوان اصول بالا دستی روابط اجتماعی، قابل تعمیم به سایر جوامع انسانی و اجتماعات بشری است.

گاهی برخی نکات در رفتارهای اجتماعی به نظر می‌آید که ارزش و جایگاه مهمی ندارد، اما از آن جا که اثرات مهمی در روابط بین فردی به جا می‌گذارد و گاهی بی‌توجهی به این موارد به ظاهر کوچک، سبب تنش و آزار و رنجش افراد از یکدیگر شده و در نهایت روابط اجتماعی را در سطوح بالاتر تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ نزد خداوند دارای ارزش بوده و آن را متذکر می‌شود. کیفیت نشستن با دیگران در مجالس عمومی یکی از آن موارد است؛ فرقی هم نمی‌کند که این مجلس کجا و با چه کسانی منعقد شود؛ خواه در منزل شخصی باشد و یا در مدرسه

و مسجد و هر جای دیگر.

بنابراین احترام به تازه واردها، یک ارزش تلقی می‌شود و جا دادن به دیگران در هر مجلسی که باشد لازم است. خداوند در این آیه کریمه تاکید فرموده که هر گاه در مجلسی بودید و جمعیت زیاد و جا برای نشستن کم بود و شخص تازه واردی آمد، برای او جا باز کنید و اجازه بدهید او هم از برکات این مجلس استفاده نماید (طوسی، بی‌تا، 550/9). زیرا در مکان‌ها و مجالس عمومی که مسائل عام‌المنفعه مطرح می‌شود، همه حق بهره بردن از آن مجلس را دارند (امین بانوی اصفهانی، 1361، 192/12).

یک. کاربردهای اجتماعی «الگوی تفسیح»

بنابر متن آیه که می‌فرماید هر گاه به شما گفته شد جا باز نمایید (تا دیگران هم بتوانند از مجلس استفاده نمایند) شما نیز جا برای دیگران باز کنید؛ تا خداوند نیز به شما وسعت ببخشد؛ می‌توان مصادیق وسعت بخشی خداوند را به عنوان ثمرات عمل به این حکم بیان نمود. از آن جایی که خداوند مصادق خاصی برای آن چه وسعت می‌بخشد را بیان ننموده (ملاحویش آل غازی، 1382، 207/6)، و آن را به طور عام بیان نموده، می‌توان اثرات متعددی برای این دستور الهی ذکر نمود که برخی از این آثار در دنیا و برخی دیگر در برزخ و برخی از آن در آخرت خواهد بود (طبرسی، 1377، 266/6). آثار موجود در سه موطن دنیا، قیامت و برزخ جدا و مجزای از یکدیگر نیستند و با توجه به آثار آخرتی آن می‌توان جنبه‌های اجرایی و تربیتی این دستور را تضمین نمود.

مهم‌ترین آثار دنیایی «تفسیح» در مجالس عمومی، آثار اجتماعی است که بر جا می‌گذارد. خداوند با ذکر این آیه الگوی رفتاری مشخصی را بر اساس احترام و اهمیت دادن به هم نوع ارایه می‌نماید تا سایر رفتارهای انسان بر اساس روحیه فداکاری و وسعت دید در جامعه اسلامی رواج پیدا نماید.

از آن جا که اثر وجودی و تکوینی هر عملی همراه آن عمل در نفس انسان بجا می‌ماند؛ اولین کسی که از یک رفتار صحیح بهره می‌برد خود را شخصاً هستند، ایجاد وسعت برای دیگران نیز سبب وسعت در روح و فکر و اخلاق افراد در برخورد با دیگر افراد جامعه خواهد شد (مصطفوی، 1360، 83/9). هر چند در ظاهر فقط جا باز کردن برای فرد یا افرادی است که تازه وارد مجلس شده‌اند؛ اما در واقع ایجاد انبساط روحی و وجودی افراد را در تعاملات اجتماعی به دنبال خواهد داشت. زیرا هنگامی که فسحت در قلب اتفاق بیفتد، فرد می‌تواند با خوشرویی و راحتی دیگر افراد را در کنار خود بپذیرد.

افراد دارای سعه صدر و قلب گشاده، ناخودآگاه در سایر رفتارها اجتماعی نیز موفق‌تر عمل می‌نمایند و همین امر موجب وسعت رزق و بهره بردن از نعمات دنیا می‌شود. به این ترتیب رابطه وسعت بخشی برای دیگران در مجالس، با وسعت بخشی خداوند در ارزاق و معشیت روشن می‌شود.

یکی دیگر از نمودهای این روحیه در سایر رفتارهای اجتماعی این است که اگر در جامعه‌ای نهادینه شود که همان طور که در مجالس باید برای دیگران جایگاهی قایل شد و فرصت استفاده از مجالس را به آنان داد؛ در سایر موقعیت‌های اجتماعی نیز دیگران حق بودن و بهره‌مندی از موقعیت‌ها را به طور برابر دارند. در نتیجه روحیه رقابت و کنار زدن سایر افراد اجتماع در مراتب اجتماعی از بین می‌رود و یا حداقل کم رنگ‌تر می‌شود. در این صورت برای دیگران جایگاهی قایل شده و زمینه استفاده سایرین را از فرصت‌های اجتماعی محترم می‌شمارند و با حضور

دیگران در کنار خود احساس خطر نمی‌کنند. بنابر این رعایت پیام آیه مبارکه به عنوان یک الگوی کامل، در این حیطه از مسایل اجتماعی نیز کارایی دارد.

برای این که جامعه‌ای به این سطح از فرهیختگی دست یابد، لازم است تا این روحیه از کودکی در میان افراد جامعه نهادینه شود و این امر از خانواده و سایر مراکز آموزشی مربوط به کودکان باید آغاز شود و در قالب روش‌های تربیتی عملی گردد. به عنوان مثال بازی‌های کودکان - که در واقع تمرینی برای ورود به اجتماع بزرگ‌تر و به نوعی ترسیم اجتماع در اذهان آنان است - نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند.

یکی دیگر از مواردی که می‌توان به عنوان مصداق آیه مبارکه ذکر نمود، و سایل نقلیه عمومی است. در معنای مجلس در این آیه مبارکه گفته شده که «مجلس» به معنای مکان جلوس و نشست است (فخرالدین رازی، 1420، 493/29). بنابراین می‌توان ادعا نمود که هر جایی که نیاز باشد برای دیگران جا باز شود تا بتوانند بنشینند، مورد خطاب این حکم اجتماعی قرآن است. به عبارتی جایی که تازه واردها دارای خستگی مفرط، یا کهولت سن بوده یا از احترام خاصی برخوردار باشند؛ ضرورت دارد تا برایشان جا باز شود و این امر از نظر قرآن کریم دارای ارزش و سزاوار پاداش است.

به جهت این که نحوی سخن گفتن و تعاملات افراد هر جامعه با یکدیگر، حاکی از درک بالا و فرهیختگی آن اجتماع است ضرورت دارد در جامعه اسلامی که شرکت در مراسم و مجالس عمومی (نماز جمعه و جماعت در مساجد) تأکید شده است، مسئله جا باز نمودن برای سایر مومنان به صورت یک ارزش قرآنی نهادینه شود. زیرا بسیار مهم است که مومنین در این مجالس برخورد صحیح و حاکی از محبت و مودت با یکدیگر داشته باشند. یکی از راه‌های ترویج این عمل در جامعه، بیان نمودن پاداش‌ها آخرتی آن است که خداوند به کسانی که روحیه وسعت بخشی در همه امور را دارند، آسان‌گیری در سوال و جواب در قبر و فراخی قبر و بهشت و سبب است (ابن کثیر، 1419، 76/8؛ رشید الدین میبیدی، 1371، 17/10؛ طبرسی، 1372، 379/9) در نهایت این عمل از آداب همنشینی و ارتباط با سایرین و از مکارم اخلاقی است که اثر زیادی در حفظ ارزش‌های انسانی دارد.

ب) الگوی استیناس «فرهنگ انس و اجازه گرفتن قبل از ورود به حریم دیگران

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست وارد نشوید، مگر اینکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید. این به نفع شماست، شاید پند گیرید» (نور/27).

یکی از مباحث مهم در فرهنگ هر جامعه، چگونگی ورود به خانه دیگر افراد به خصوص به منظور مهمانی است که به دلیل اهمیت آن، قرآن کریم به بیان آداب آن پرداخته است. آیه‌ای که این اصل مهم و کلی را در روابط بین فردی بیان می‌فرماید، آیه مبارکه 27 سوره نور است که به طور موکد می‌خواهد که افراد قبل از ورود به خانه دیگران از صاحب خانه اجازه بگیرند.

سبب نزول آیه را این گونه نقل کرده‌اند که زنی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد که در منزل خویش در حالتی که مایل به ملاقات کسی نیستم، دیگران بدون اجازه وارد می‌شوند و این امر سبب نارضایتی من شده است؛ سپس این آیه در بیان چگونگی ورود به منزل دیگران نازل شده است (بروجردی، 1366، 482/4).

در فرهنگ جاهلی اجازه گرفتن قبل از ورود به منزل دیگران کسر شأن تلقی می شده است. اما قرآن کریم این عمل را نهی فرمود و افراد را الزام به کسب اجازه نموده است.

دو نکته اساسی در این آیه مبارکه به عنوان شاخص رفتاری بیان می شود. یک: استیناس. دو: سلام کردن. که در هر دو مورد مقصود زدودن وحشت و اضطراب و ایجاد آرامش و امنیت روانی صاحب‌خانه است.

استیناس به نظر تمامی مفسران به معنی استیذان است (قمی، 1367، 101/2). که از ریشه «آن س» به معنای انس گرفتن به هر چیز یا به سوی هر چیزی است که سبب الفت گرفتن به آن و آرامش قلب شود (طباطبایی، 1417، ج 15). بنابراین مقصود از کلمه استیناس در آیه مبارکه مأنوس شدن با صاحب‌خانه قبل از ورود به منزل او است تا سبب پریشانی خاطر و کراهت صاحب‌خانه از ورود مهمان نشود.

از ظرفت‌های آیه این است که کلمه استیناس چگونگی استیذان را نیز به همراه خود دارد؛ به عبارتی خداوند در این آیه به جای «استیذان» از «استیناس» استفاده نموده؛ زیرا کلمه استیناس نسبت به استیذان از بار معنایی بیشتری برخوردار است. استیناس هم اذن گرفتن قبل از داخل شدن به خانه دیگری را بیان می کند و هم لطافت و محبت و صداقت در اذن را می‌رساند. در واقع اذن گرفتن قبل از مهمانی اگر چه به دلیل حفظ حرمت حریم شخصی صاحب‌خانه است، اما نحوه اذن خواستن، باید به گونه‌ای باشد که حالت صمیمیت و دوستی و محبت در آن حفظ شود تا به این وسیله روابط عاطفی بهتری بین افراد برقرار شود نه اینکه حالت رسمی و غیر دوستانه داشته باشند. از مجموع روایاتی که در ذیل این آیه در توضیح چگونگی و علت اجازه گرفتن آمده این نکته به دست می آید که در تمامی مواردی که افراد در حالت خاصی هستند و مایل به ورود دیگران در آن حالت نمی‌باشند؛ اعم از خانه و محل کار و یا هر مکان دیگری، حتما باید اذن گرفته شود (طبرسی، 1372، 135/14).

روح کلی این آیه حفظ و اهمیت به حریم خصوصی افراد می‌باشد که رعایت آن به جز در موارد اضطراب برای جلوگیری از برخی تنش‌های اجتماعی ضروری است. به عبارتی یکی از حقوق انسانی احترام به حریم شخصی افراد برای حفظ آرامش و امنیت روانی آنان می‌باشد.

از آن جا که استیناس و نحوه اجازه گرفتن در گذشته با توجه به امکانات و شیوه زندگی افراد بوده، این مهم در هر عصری می‌تواند مطابق شیوه زندگی مردم و امکانات موجود در همان عصر، انجام بگیرد. مثلاً در زمان رسول گرامی اسلام، استیذان با گفتن ذکر الله اکبر و یا بلند کردن صدا از فاصله‌ای خاص و صدای پا و سلام کردن بلند (کلینی، 1429، 214/11). انجام می‌گرفت، و در نزدیکی خانه میزبان، کسی که قصد ورود به منزل او را داشته، با گفتن ذکر الهی به نوعی حضور خود را اعلام می‌نمود؛ اما امروزه وسایل ارتباطی، امکان زندگی، متفاوتی را به ما داده است. افراد باید قبل از اینکه به قصد مهمانی حرکت می‌کنند با تماس تلفنی و یا هر وسیله ارتباطی دیگر، انس و اجازه لازم را از صاحب‌خانه به دست آورند. تا صاحب‌خانه نه تنها از جهت شرایط داخل منزل به وضع مطلوبی رسیده باشد، بلکه زمان مهمانی طبق موقعیت صاحب‌خانه مناسب بوده و با ورود نابه هنگام مهمان موجب ناآرامی درونی آنان نشود.

کلمه «تذکرون» در آخر آیه نشانگر این مطلب است که خداوند متعال آن چه را که در اعماق فطرت و عقول انسانی است؛ بیان کرده و به عبارتی آن چه را که انسان در نهاد انسانی خود دارد را تنها یادآوری نموده است.

یک. کیفیت استیناس

کلمه «تَسْتَأْذِنُ سَوَاءً»، کیفیت اجازه گرفتن را نیز نشان می‌دهد و از آن جا که استیذان برای کسب موافقت دیگران جهت ورود به منزل آنان است، لازم است تا با محبت و لطف و ادب و اخلاص همراه باشد (مکارم شیرازی، 1374، 68/11). زیرا مهمانی نوعی تبادل احترام و مودت است و صرفاً یک امر رسمی نیست.

زمانی که فرد در درب منزل صاحب‌خانه قرار گرفته و منتظر اجازه ورود به خانه می‌باشد نیز شامل حکم استیناس می‌شود؛ بنابراین آداب خاصی را می‌طلبد. مثلاً: اگر مجبور به صدا کردن صاحب‌خانه هستیم، نباید با صدای بلند و خشن باشد. همچنین کوبیدن درب یا زدن زنگ باید به آرامی و ادب صورت بگیرد. در روایات شریفه آمده است که بهتر است تعداد صدا کردن صاحب‌خانه و یا کوبیدن درب سه مرتبه باشد؛ لازم است تا بین هر بار صدا کردن، فاصله زمانی را صبر نماییم، تا صاحب‌خانه آمادگی بیشتری پیدا نماید (ابن بابویه، 1361، 91/1؛ حر عاملی، 1409، 141/14). کوبیدن در به شدت و بلند کردن صدا و دیگر امور خلاف اصول معاشرت و دور از ادب شرعی می‌باشد.

دوم. فلسفه استیناس

با توجه به شأن نزول آیه مبارکه و روایاتی که در ذیل این آیه صادر شده است، به نظر می‌رسد مهم‌ترین فلسفه استیناس رعایت حریم خصوصی افراد است. که اهمیت به‌سزایی در روابط اجتماعی ایفا می‌نماید. بنابراین تمامی مواردی که جزء حریم خصوصی افراد تلقی می‌شوند، جزو مصادیق این آیه به حساب می‌آیند. حریم خصوصی ممکن است حتی صندلی و میز کار یک فرد باشد و یا هر مکان و وسیله‌ای که جزء امور اختصاصی افراد باشد. زیرا خانه خصوصیتی نداشته و هر مکانی که حریم خصوصی به حساب آید شامل حکم این آیه می‌شود. بنابراین حفظ حریم خصوصی افراد یک ارزش فی‌نفسه است، مگر جایی که امنیت اجتماعی در خطر باشد.

ج) الگوی ارجاع «فرهنگ احترام به حریم خصوصی دیگران»

(إِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ)؛ «و اگر

کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد: «برگردید» برگردید، که آن برای شما سزاوارتر است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست».

در دین اسلام بر ضرورت‌های فطری تاکید شده و بنابر اقتضای فطرت انسان، قوانین سراسر خیر را برای بشر تدوین نموده است. برخی قوانین اسلام در قالب دستورهای عبادی، با حکم و جوب شرعی و فقهی بیان می‌شود و برخی دیگر از این قوانین هر چند جوب و حرمت شرعی ندارند، اما دارای جوب و حرمت فرهنگی و تمدنی هستند و ضرورت دارد برای این‌که روابط اجتماعی و فرهنگی مسلمانان، مطابق تمدن اسلامی باشد، اصول و قوانین تمدن ارایه شده توسط قرآن، به طور کامل در جامعه نهادینه شود و این امر حاکی از فرهیختگی جامعه مورد انتظار قرآن کریم است.

یکی از این قوانین تمدنی، دستور مهم و شگفت‌انگیز قرآن کریم است که «اگر بدون اطلاع قبلی حتی تا درب منزل کسی رفتید و اجازه ورود خواستید، اما اهل خانه به هر دلیلی آمادگی پذیرش مهمان را نداشته و از شما

خواست که برگردید، شما نیز برگردید؛ بدون اینکه احساس کوچک‌ترین ناراحتی یا انزجار داشته باشید؛ زیرا که این امر برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است».

آیه مبارکه حاوی پیام‌های متعددی است از جمله اینکه اگر علم پیدا کردیم که کسی در خانه نیست، حق ورود به آن جا را نداریم (فَلَا تَدْخُلُوها) و ورود به منزل دیگران نیاز به اجازه قطعی دارد و باید از اذن صاحب‌خانه مطمئن شویم (حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ) ولی از آن جا که کلمه «قِيلَ» به صورت مجهول آمده، بیانگر این نکته است که لازم نیست علم ما به عدم اذن صاحب‌خانه، به طور یقینی باشد بلکه همین که احساس نمودیم صاحب‌خانه تمایلی به پذیرش مهمان ندارد، باید برگردیم (قرائتی، 1383، 172/8).

همچنین اگر شرایط مناسبی برای پذیرفتن دیگری را در منزل خود نداریم، باید به جای این که با اکراه او را پذیرفته و در نهایت، آرامش خود و خانواده را بر هم زنیم، باید به او بگوییم که برگردد؛ زیرا عدم پذیرش مهمان به دلیل وجود محذور، از نظر آداب اسلامی و آیات قرآن کریم پسندیده است و مانعی ندارد و صاحب‌خانه می‌تواند برای حفظ کیان و محل آرامش خود در صورت عدم آمادگی جواب منفی بدهد.

از طرف دیگر اگر برای ورود به منزل کسی طلب اجازه نمودیم ولی اجازه داده نشد، بدون معطلی برگردیم و توقع بی جا نداشته باشیم و اجازه بدهیم به این و سیله دین در متن زندگی مان راه یابد (وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجعوا فارجعوا). زیرا عمل به اوامر الهی موجب رشد و پیشرفت فرد و در نتیجه تعالی جامعه اسلامی خواهد شد. به عبارتی عمل به این حکم قرآن در روابط اجتماعی، علاوه بر سایر آثار مثبتی که در جامعه به جا خواهد گذاشت، سبب تزکیه و رشد شخصیتی افراد و از بین رفتن غرور و خودخواهی و در نتیجه فرهیختگی جامعه خواهد شد (فارجعوا هو ازمی لکم) و با علم این که خداوند به ما علم کامل دارد، عدم پذیرش ما از طرف صاحب‌خانه سبب عصبانیت و کینه ما نشود (وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ). مفاد آیه مبارکه به عنوان یک الگوی مهم در رفتارهای اجتماعی قابل ارایه است.

قرآن کریم انتظار دارد تا انسان مسلمان و مومن با احترام به حریم خصوصی دیگران، این امر را در روابط اجتماعی خود، به طور کامل پذیرفته و عمل نماید. زیرا حریم تنها شامل مکان نمی‌شود بلکه حریم شخصی شامل حریم امنیت روانی و آسایش افراد نیز می‌شود. گاهی ممکن است صاحب‌خانه در حالتی باشد که مایل نباشد دیگری او را در این حالت ببیند و یا به واقع آمادگی پذیرش مهمان را نداشته باشد و یا نخواهند که مهمان از اوضاع خصوصی داخل خانه مطلع شود. اگر مهمان بخواهد به طور سر زده وارد شود تبعاتی در پی خواهد داشت که بیشتر سبب تنش و ناآرامی میزبان و مهمان و افشاء مسائل خصوصی زندگی اشخاص خواهد شد.

برخی از مفسران (مکارم شیرازی، 1114، 429/1374، همو، 1421، 69/11) در بیان تفسیر (وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) گفته‌اند از آن جا که ممکن است عدم پذیرش مهمان در او ایجاد حالت کنجکاو می‌نموده و او را به این فکر وادارد که علت نپذیرفتن چه بوده و در نتیجه بخواهد کنجکاو‌های نابه‌جا مانند استراق سمع اسرار درون خانه، را انجام دهد؛ خداوند به او می‌فرماید که این را بدان که خداوند به واکنش شما، بعد اینکه از شما خواسته شد تا برگردید، آگاه است؛ پس مواظب رفتار خود بوده و خدا را در نظر بگیرد.

یکی دیگر از ثمرات تربیتی این الگو، افزایش سطح صداقت و راستگویی در اجتماع است و به نوعی قرآن کریم با این دستور، به افراد جامعه جرأت راست گفتن را می‌دهد و از مومنان می‌خواهد که اگر آمادگی پذیرش

مهمان را ندارند، با صداقت کامل و بدون ترس از واکنش مهمان، عدم آمادگی خویش را اعلام نماید. به فرموده رهبری فرهنگ غرب مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌هاست. هیچ کس نمی‌تواند بگوید فرهنگ غرب یکسره زشت است (سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع جوانان، 77/11/13). نباید غرب را به طور کامل رد نمود؛ این حقیقت وجود دارد که در غرب این دو نکته نمود بسیاری دارد و معمولاً اگر شرایط پذیرش کسی را برای ورود به منزلشان نداشته باشند با صراحت کامل این امر بیان می‌شود و جالب‌تر این که مخاطب نیز این امر را می‌پذیرد.

البته نباید از این نکته اساسی غافل شد که علت وجود چنین رفتاری در جوامع غربی؛ به پیش فرض‌های فلسفی و فکری غالب بر اجتماع غربی از جمله لیبرالیسم و اصالت فرد برمی‌گردد.

د) الگوی هماهنگی قول و فعل «فرهنگ هماهنگی گفتار و کردار و پرهیز از سخنان بی‌عمل»

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ) (صف: 2 و 3).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ * نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.»

در این آیه خطاب به مومنان، انزجار خداوند از گفتن سخنانی که یا توان انجام آن و یا قصد انجام دادن آن را ندارند اعلام شده است و می‌خواهد که به اصل انسانی خوش قولی و عمل به آن چه گفته می‌شود پایبند باشند. «مقت» در اصل به معنی بغض شدید نسبت به کسی است که کار قبیحی انجام داده باشد و در میان عرب جاهلی کسی که همسر پدرش را به نکاح خود در می‌آورد «نکاح مقت» می‌گفتند، از این بیان می‌توان دریافت که چقدر این عمل در نزد خداوند ناپسند و مورد خشم است. همراهی کلمه «کَبُرَ» با «مقت» نشانگر شدت و عظمت خشم خداوند نسبت به گفتاری که به عمل منجر نشود (مکارم شیرازی، 1421، 278/18).

از سیاق آیات بعدی به نظر می‌رسد شأن نزول این آیه در مورد مومنینی است که قبل از جنگ احد وعده پایداری داده و ادعا کردند به هیچ وجه در میدان جنگ پا به فرار نگذاشته و با بذل مال و جان خود و انفاق و یاری در تهیه ابزار جنگ برای خود و دیگران رسول خدا را یاری کنند. ولی در عمل به آن چه گفته بودند، پایبند نبودند. بنابراین مورد سرزنش شدید خداوند قرار گرفتند (طباطبایی، 1417، 421/19، بروجردی، 1366، 133/7).

هیچگاه شأن نزول‌ها مفهوم گسترده آیات را محدود نمی‌کند، بنابراین این آیه تمامی مواردی که سخن گفتن بدون عمل با شدت را دربر می‌گیرد و مستحق ملامت و توبیخ اخلاقی است؛ چه در میدان جهاد با شدت و چه در هر زمینه دیگری از جمله عهود و وعده‌ها (مکارم شیرازی، 1421، 277/18).

این آیه یکی از قواعد مهم اجتماع پیشرفته بر اساس تمدن اسلامی است که روح عظیمی از فرهنگ و فرهیختگی را به دنبال دارد. خداوند هرگز نمی‌پسندد که جامعه اسلامی به گونه‌ای باشد که افراد آن سخنانی بگویند که یا توان عمل کردن به آن را ندارند و یا بدتر از آن، قصد عمل کردن به آن را ندارند. در آیه بعد خداوند شدت و عظمت نکوهش خود را از این عمل بیان می‌نماید. خطاب سرزنشی و توبیخی آیه به مومنان است، اما مؤمنانی که هنوز به سر حد کمال ایمان نرسیده و گفتار و کردارشان هماهنگ نشده است. پس نمی‌توان گفت خطاب نکوهشی

آیه متوجه منافقان از امت است. زیرا در این جا مومنان شاید به واقع می‌خواستند که به آن چه نزد خداوند محبوب بود عمل نمایند؛ زیرا نه منافق بودند که بخواهند با دورویی و عدم صداقت حرفی بزنند و نه قصد آزار و اذیت پیامبر را داشتند. بلکه مومنانی بودند که همراه پیامبر در جنگ احد شرکت کرده بودند. آن چه آنان را مستحق چنین سرزنشی از سوی خداوند می‌نماید این است که به آن چه خارج از توانشان بوده وعده داده و بعد به خاطر ضعف اراده خلف وعده نموده‌اند و همچنین آیات توییحی که از سوی خداوند نسبت به مومنان وارد شده، در جهت تربیت و اصلاح آنان است.

در جامعه‌ای که افراد سخنانی را می‌زنند که در پی عمل کردن به آن نمی‌باشند، به جرأت می‌توان گفت که آن جامعه‌ای بلازده است. چه بلایی بزرگتر از رواج بی‌اعتمادی در میان مردم، که می‌تواند یک جامعه را از تعالی و پیشرفت مادی و معنوی باز دارد.

از آن جا که خطاب آیه مبارکه عام است، می‌تواند تمامی مصادیقی که سخنی گفته شود ولی به آن عمل نشود را در بر بگیرد. یکی از مهم‌ترین موارد آن در خانواده است؛ زیرا خانواده جایی است که می‌تواند محکم‌ترین سنگ بنای تمدن اسلامی گذاشته شود. زیرا این رفتار پدر و مادر است که به کودکان روند کلی زندگی را می‌آموزد. پدران و مادران باید دقت کافی در این مسله داشته باشند که گمان نکنند با کودکان به علت این که کودک هستند و درک بالایی ندارند می‌توانند هر گونه که بخواهند سخن بگویند. طبق این آیه مبارکه هرگز نباید به فرزندان خود وعده‌ای بدهند که توان یا قصد عملی کردن آن را ندارند. هرگاه چنین عملی را انجام بدهند به واقع مورد خطاب این آیه مبارکه و آیه بعدی که خداوند نهایت خشم خویش را از این عمل بیان نموده، خواهند بود.

یکی دیگر از مصادیق اجتماعی آیه در مورد کسانی است که در جوامع امروزی برای به دست آوردن مقام و جایگاه سیاسی به مردم وعده‌های می‌دهند که به هیچ وجه عملی نمی‌شود. حضرت امیر در همین زمینه به مالک اشتر فرمود: «ایاک ... ان تعدهم فتتبع موعدک بفلک ... و الفلف یوجب المقمت عندالله و الناس، قال الله تعالی: { کَبُرَ مَفْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ }؛ از اینکه به مردم وعده بدهی و تخلف کنی سخت بپرهیز، زیرا این موجب خشم عظیم در نزد خدا و مردم خواهد شد، چنان که قرآن می‌فرماید: { کَبُرَ مَفْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ } (شریف رضی، 1414، 444). بنابراین حضرت امیر یکی از گروه‌های که مورد خشم الهی هستند را سردمدارانی می‌داند که وعده‌ای به مردم بدهند که هرگز عملی نمی‌کنند. بنابراین مومن صادق کسی است که رفتاری منجسم داشته و قول و فعل او یکی است (مکارم شیرازی، 1421، 278/18). این یکی از خطوطی است که خداوند می‌خواهد تا جامعه اسلامی بر اساس آن حرکت نماید (فضل الله، 1419، 179/22).

جامعه‌ای که افراد آن به سخنان و وعده‌های خود عمل نمی‌کنند، خوار و حقیر می‌شوند و این امر بدون شک ریشه‌های عقب ماندگی و انحطاط را در جامعه رواج می‌دهد. جامعه‌ای که تنها سخن می‌گوید و هیچ‌گاه به مرحله عمل نمی‌رسد، در واقع با عزت و بزرگواری فاصله می‌گیرد و هرج و مرج نهفته‌ای سرتاسر تعاملات اجتماعی را در برمی‌گیرد. دیگر هیچ کس به وعده‌ای که دیگری می‌دهد اطمینان نخواهد کرد و حتی ممکن است این حق را به خود بدهد که او هم در قبال دیگران مسئولیت‌های خویش را به خوبی انجام ندهد.

هـ) الگوی انتشار «فرهنگ متفرق شدن بعد از غذا خوردن در مهمانی‌ها»

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَظِيرِينَ إِنَّمَا دُعِيْتُمْ فَأَدْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْسِبِينَ لِحَدِيثِ إِنْ دَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ) (احزاب، 53)؛ «کسانی که ایمان آورده‌اید، داخل اتاقهای پیامبر مشوید، مگر آنکه برای خوردنِ طعامی به شما اجازه داده شود، آن هم بی آنکه در انتظار پخته شدن آن باشید ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی آنکه سرگرم سخنی گردید. این رفتار شما پیامبر را می‌رنجاند ولی از شما شرم می‌دارد، حال آنکه خدا از حق گویی شرم نمی‌کند».

یکی از ابزارهای برقراری ارتباط عاطفی و احساسی در اجتماع، مهمانی است. جوامع مختلف برای تحقق این امر مهم و ابراز محبت و هم‌دلی آداب خاصی را ارایه کرده‌اند. قرآن کریم به عنوان کتاب زندگی بشر از این مهم غافل نبوده و عالی‌ترین شکل رفتار را برای برقراری ارتباط انسان راترسیم نموده است.

البته در این جا در پی بیان آداب مهمانی نیستیم؛ بلکه می‌خواهیم الگویی رفتاری که هدف آن ارتقای فرهنگ عمومی است را ارایه نماییم. این آیه اگر چه در مورد شخص پیامبر 9 سخن می‌گوید، اما مسلم است که این آیه از احکام اختصاصی پیامبر اکرم نبوده و این قاعده به صورت عمومی برای جامعه اسلامی قابل اجرا است (مکارم شیرازی، 1421، 13/327).

در این آیه مبارکه الگوی رفتاری به این صورت تقریر می‌شود که در مهمانی‌هایی که فقط برای غذا خوردن دعوت شده‌اید، قبل از زمان مقرر وارد نشوید تا در این صورت با انتظاری که برای فراهم شدن غذا می‌کشید، مزاحم میزبان شوید. برای مهمانی نباید زود رفت یعنی تا طعام مهیا نشده وارد نشوید و لکن موقعی که دعوت شدید پس داخل شوید. بعد از اطعام نیز فوراً برخیزید و بروید. مقصود از انتشار در آیه مبارکه متفرق شدن و لزوم خارج شدن از خانه میزبان است هنگامی که غذا تناول شد (مکارم شیرازی، 1421، 3/1578). بنابراین نباید بعد از اتمام غذا در خانه میزبان مانده و شروع به سخن گفتن نماییم (سبزواری نجفی، 1419، 430). یا آنقدر دیر از آن جا برگردید که موجب آزار صاحب‌خانه شود (فیض کاشانی، 1418، 2/999؛ طیب، 10، 1378/521). زیرا ممکن است صاحب‌خانه به دلیل برگزاری مهمانی خسته باشد و یا به هر دلیل دیگری بخواهد که خانه خلوت شود.

باید به این نکته توجه داشت که سخن ما در مورد مهمانی‌هایی که صاحب‌خانه تعداد معدودی را دعوت نموده و خود نیز مایل است که بعد از غذا با مهمانان به گفتگو بنشیند، نیست؛ بلکه در مورد مهمانی‌هایی است که صرفاً برای صرف غذا دعوت شده‌اند (مکارم شیرازی، 1421، 13/328).

برتری الگوی روابط اجتماعی بدون بر اساس قرآن و ورايات

در بحث حسن و قبح عقلی، عقل و شناخت‌های آن دارای جایگاه ویژه است. زیرا عقل انسان می‌تواند تعدادی از اصول انسانی را بدون در نظر گرفتن شرع و دین دریابد و تشخیص دهد که کدام افعال دارای حسن ذاتی و یا قبح ذاتی می‌باشند. خداوند نعمت عقل و قوه تشخیص را به عموم انسان‌ها عنایت فرموده؛ از این رو برخی از اصول انسانی را کسانی که از دین و شریعت بی‌خبرند، نیز دریافته و به آن عامل هستند. اما در این میان برخی

اصول وجود دارد که عقل در درک و رسیدن به آنها ناتوان بوده و نیازمند است تا نیرویی کامل تر از آن، انسان را در دریافت صحیح آن امور یاری نموده و از انحرافات غیر انسانی جلوگیری نماید. البته نباید از این نکته غافل بود که حتی در پیشینه این مکاتب و جوامع، ادیان نقش پرنگی داشته‌اند؛ بنابراین نمی‌توان حضور ادیان را در پیشینه تعالی اخلاقی جوامع نادیده گرفت.

وحی و شریعت همان نیروی کاملی است که احاطه به فطرت و سرشت و حقیقت انسانی داشته و هم سو با رشد انسان، به چگونگی خلقت و چستی سعادت او نیز عالم است. به همین جهت در برنامه‌های دین برای انسان، آن چه به رشد و تعالی انسان یاری می‌رساند، بروز و ظهور دارد. اگر جامعه‌ای از قوانین الهی و انسانی بهره نبرد؛ عقاید و افکار و آداب و رسوم بیهوده و موهوم که جز خرافات چیزی نیستند؛ زندگی آنان را فرا گرفته و بجای اینکه بند از پای تعالی انسان بگشایند، با بند اسارت سنن غلط، او را به زمین می‌چسبانند. همان طور که امروزه در جوامع منحنی غربی شاهد آن هستیم. به گونه‌ای که با تصویب برخی قوانین خلاف فطرت انسان، (همچون همجنس بازی، ازدواج یک زن با دو مرد، ازدواج با حیوانات و ...) گویا انسانیت به فراموشی سپرده شده است و نهایت آن به سمت ناکجا آباد بی بند و باری خواهد بود.

شکی نیست که در میان ادیان و حیانی، دین اسلام بر تمامی ادیان برتری دارد، زیرا اسلام نه مانند مسیحیت، تنها به سعادت اخروی مردم بسنده کرده و در مورد سعادت دنیوی آنان سخنی نگفته است؛ نه همچون یهودیت تعلیم و تعلم را برای قوم خاصی محدود کرده و نه چون بهدینان مجوسی تنها چند موضوع محدود اخلاقی را بیان نموده است. بلکه سعادت و تعلیم و تعلم را در هر دو جهان و در همه مکان و در همه زمان و برای همه انسان‌ها لحاظ کرده است.

بنابراین روابط اجتماعی در اسلام نیز از موقعیت ممتازی نسبت به سایر ادیان برخوردار است. به عبارتی اسلام تنها دینی است که در میان دیگر ادیان صد در صد اجتماعی است و نه تنها به تحکیم روابط اجتماعی در انسان‌ها و کاهش تنش و تضاد نظر دارد که به تعالی انسان در خلال این روابط نیز اهمیت داده است. بنابراین الگوی مدون بر اساس آیات قرآن، انسان را به عنوان عضوی از یک کل معرفی می‌نماید و با طراحی الگویی برین، انسان را به هدف خلقت نزدیک می‌نماید. این مدعای ما است که می‌توان جامعه‌ای به حق پیشرفته داشت؛ اما مسیری را غرب طی نموده را نپیمود.

نتیجه گیری

همگانی و همه زمانی و همه مکانی بودن اصول و مبانی اسلامی، بیانگر جامعیت آن است، در حالی که در دیدگاه‌هایی که بر اساس عقل انسانی پی ریزی شده‌اند؛ هر یک بخشی از ابعاد وجودی انسان را به عنوان تمام انسان لحاظ کرده‌اند اما دین اسلام هر آن چه را بیان نموده، مطابق سرشت انسانی و قابل ارایه و الگو دهی به تمامی جوامع بشری است.

به همین سبب قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع دین اسلام، قابلیت ارائه کلان الگو در زمینه رفتارهای

اجتماعی را داراست. اما به دلیل اینکه مجال در این نوشتار مختصر است؛ از میان آیات کریمه، پنج آیه از قرآن کریم، که به صراحت در زمینه روابط اجتماعی آمده؛ به صورت الگوی رفتاری در زمینه‌های مختلف تبیین گردید: «الگوی تفسیح» یا همان الگوی الگوی گشایش؛ «الگوی استیناس»؛ «الگوی ارجاع»؛ «الگوی هماهنگی قول و فعل» و «الگوی ان‌تشار»؛ که ویژگی اصلی این الگوها کاربردی بودن آنها در جامعه است، تا با ترویج و فرهنگ سازی بر مبنای الگوهای قرآنی، جامعه پیشرفته قرآنی حاصل شود.

آنچه دارای اهمیت و قابل توجه مضاعف می‌باشد، این است که نباید با این نگاه که این آیات، آیاتی صرفاً اخلاقی و توصیه‌ای هستند از کنار آن به راحتی گذشت. زیرا این آیات فراتر از یک توصیه اخلاقی، می‌تواند به عنوان الگو و سرمشق روابط اجتماعی در جوامع اسلامی، به تعالی و پیشرفت فرهنگ مسلمانان یاری رساند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی، (1361)، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (1419) تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- بانوی اصفهانی سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، 1361 ش.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم، (1366)، تفسیر جامع، تهران، انتشارات صدر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (1418)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی شیرازی، سید محمد، (1342)، تبیین القرآن، بیروت، دارالعلوم.
- رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد، (1371)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- خیری، حسن، (1393)، مبانی نظام اجتماعی اسلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، (1393).
- خیری، حسن، (1389)، دین، رسانه، ارتباطات اجتماعی (پیش درآمدی بر نظریه ارتباطات اسلامی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، (1419 ق) ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- سید بن قطب، بن ابراهیم شاذلی، (1342)، فی ظلال القرآن، دار الشروق.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (1409)، وسایل الشیعه، قم، موسسه آل‌البتی.
- شریف رضی، محمد بن حسین، (1414)، صحیحی صالح، نهج البلاغه (للصیحی صالح)، قم، هجرت.
- فخرالدین رازی، عبدالله محمد بن عمر، (1420)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملا محسن، (1418)، الأصفی فی تفسیر القرآن، محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- عاملی، ابراهیم، (1360 ش)، تفسیر عاملی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات صدوق.
- علی، جواد، (1993)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، جامعه بغداد.
- فضل الله، سید محمد حسین، (1419ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعه و النشر.
- قرائتی، محسن، (1383)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم، (1367)، تفسیر قمی، قم، دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (1429)، کافی، قم، دار الحدیث.
- صدیق اورعی، غلامرضا، (1382)، بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام، تهران، اداره کل پژوهش‌های سیما.
- طبرسی، فضل بن حسن، (1372)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن، (1377)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (1417)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طیب، سید عبد الحسین، (1378 ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه شیخ آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، دار احیاء

التراث العربی.

مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1368ش.
مصطفوی، حسن، (1360ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، (1382 ق)، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی.
مکارم شیرازی، ناصر، (1374)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
مکارم شیرازی، ناصر، (1421)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه اول امام علی بن ابی طالب.
سخنرانی مقام معظم رهبری، 1377/11/13.